

# مصادقها و عوامل شناسایی ضابطان نظامی در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲

حامد نیکونهاد<sup>۱</sup>، سلیمان ملک زاده<sup>۲</sup>

از صفحه ۱۳ تا ۳۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۱۰

## چکیده

هدف مقاله، شناسایی معیار جداسازی ضابطان نظامی از دیگر ضابطان در قانون آیین دادرسی کیفری، شناسایی مصدقهای ضابطان نظامی در این قانون و شناسایی معیارهای قانونی تشخیص ضابطان نظامی در نیروهای مسلح است. در این نوشتار با بررسی و تحلیل در منابع حقوقی، اسناد قانونی و آرای قضایی به صورت تحلیلی و هم‌چنین مصاحبه با تعدادی از خبرگان حقوقی، مصدقهای ضابطان نظامی و معیارهای قانونی شناسایی آنها بر مدار قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تبیین و ارائه شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی است که شاخصهای قانونی شناسایی ضابطان نظامی شامل نظامی بودن، مورد اعتماد و وثوق بودن، کسب مهارت و آموزشهای لازم و گرفتن کارت ویژه، مأمور بودن از سوی مرجع قضایی صلاحیتدار، تحت نظارت و تعلیمات مقامات قضایی صلاحیتدار بودن است.

## واژگان کلیدی

ضابطان نظامی، قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان دادگستری، محاکم نظامی

۱. استادیار حقوق دانشگاه قم (نویسنده مسئول): hamednikoonahad@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

## ۱. مقدمه

با توجه به وابستگی محاکم نظامی و به طور کلی سازمان قضایی نیروهای مسلح به قوه قضائیه به حکم اصل ۱۷۲ قانون اساسی، ضابطان نظامی در کنار ضابطان دادگستری، مجموعاً ضابطان قوه قضائیه شناخته می‌شوند (وروایی و رضایی فرد، ۱۳۹۴). بسیاری از احکام و مقررات حاکم بر این دو ضابط، مشابه است و نظام حقوقی مشابهی، البته با تفاوت‌هایی چند، وضعیت آنها را مشخص کرده است (عبداللهی و اصولی، ۱۳۹۶، ص ۷۸-۸۴).

ضابطان دادگستری بازوی اجرایی دادرسی و دادگاه‌ها در اجرای وظایفشان هستند. قانون تکالیف زیادی بر عهده ضابطان دادگستری قرار داده است که از نخستین لحظه‌های پس از وقوع جرم تا واپسین دقیق اجرای مجازات را در بر می‌گیرد و شامل کشف جرم، گزارش وقوع آن به دادرسی، جلوگیری از محو دلایل و آثار جرم، جلوگیری از فرار متهم، اجرای دستورهای مقامات قضایی در تحقیق و بازجویی و ابلاغ اوراق قضایی می‌شود. ضابطان دادگستری در وظایف خود، اختیاراتی دارند که می‌تواند به سلب آزادی شهروندان منجر شود و به همین دلیل ضروری است که افرادی که ضابط هستند و این اختیارات را دارند به موجب قانون مشخص شوند (خالقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۶۰؛ طهماسبی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۵). ضابطان دادگستری یکی از کنشگران فرایند دادرسی هستند که از ابتدای وقوع و کشف جرم تا زمان اجرای مجازات تحت نظارت و ریاست دادستان به موجب قانون یا در مقام اجرای دستور قضایی وظیفه خود را انجام می‌دهند (طهماسبی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۵).

ضابطان دادگستری را قانون تعیین و معرفی می‌کند. هیچ‌کس ضابط دادگستری نیست مگر اینکه قانونی این سمت را برای او به رسمیت شناخته باشد (آخوندی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۲). همان‌طور که در همه کتابهای آیین دادرسی کیفری مشاهده می‌شود در یک تقسیم‌بندی کلی ضابطان دادگستری به دو دسته کلان تقسیم می‌شوند: ضابطان عام و ضابطان خاص (محمدنسل، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵-۱۰۹).

## ۲. بیان مسئله

قانون آیین دادرسی کیفری احکام متعددی ناظر به وضعیت حقوقی و صلاحیتها و مسئولیت‌های ضابطان دادگستری به‌طور کلی و ضابطان نظامی به‌طور خاص دارد. فصل دوم از بخش دوم این قانون با تفصیلی قابل توجه نسبت به قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ احکام متعددی در مورد ضابطان دادگستری مقرر کرده است (مواد ۲۸ تا ۶۳). بخش هشتم این قانون با عنوان آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح شامل ۹ فصل به مقررات

گوناگون مرتبط با رسیدگی به جرائم نظامی و صلاحیت و تشکیلات محاکم نظامی ترتیب رسیدگی و صدور رأی و اجرای احکام صادرشده اختصاص دارد. فصل چهارم شامل ۵ مبحث به کشف جرم و تحقیقات مقدماتی اختصاص دارد. مبحث نخست این فصل (مواد ۶۰۲ تا ۶۱۳) با عنوان "ضابطان نظامی و تکالیف آنان" حاوی احکام قانونی و قواعد متعددی در مورد وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ضابطان نظامی است. البته علاوه بر اینها در مواد دیگر این قانون نیز حسب مورد وظایفی برای ضابطان نظامی پیش‌بینی شده است.

ماده ۶۰۲ در مقام تعریف ضابط نظامی مقرر کرده است: "ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند." ماده ۶۱۲ معیاری کلی و نوعی برای شناسایی وظایف و اختیارات و مسئولیتهای این دست ضابطان تعیین کرده است. طبق این ماده دیگر وظایف، اختیارات و مسئولیتهای ضابطان نظامی در محدوده صلاحیت دادسرا و دادگاه‌های نظامی به شرحی است که برای ضابطان دادگستری مقرر شده است؛ لذا در موارد سکوت قانونی نسبت به وظایف و اختیارات ضابطان نظامی به قواعد و مقررات عمومی ناظر به ضابطان عام دادگستری باید مراجعه شود.

بنابراین شناسایی دقیق وظایف، اختیارات و مسئولیتهای ضابطان نظامی از جمله در گرو بررسی و شناخت ضابطان نظامی و معیار جدایی آنها از دیگر ضابطان بر معیارهای قانونی مبتنی است. به موجب ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، که در مقام تعیین و بیان مصادقاتهای ضابطان دادگستری است، فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، که آموزش مربوط را دیده باشند، ضابط عام دادگستری به شمار رفته‌اند. البته بند یکم از ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران را ضابط دادگستری دانسته بود. ماده ۶۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری در مقام بیان مصادقاتهای ضابط نظامی است. جزء «ت» این ماده، فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی را یکی از ضابطان نظامی معرفی کرده است. مسئله مهم، ملاک حقوقی روشن برای تشخیص ضابط نظامی در موارد مشتبه است تا به کمک آنها بتوان ضابطان نظامی را از دیگر ضابطان قوه قضاییه تمیز داد. در این راستا برخی معیارها و ضوابط قانونی نیازمند تأمل و تدقیق است؛ مواردی مانند مأمور بودن و تحت نظارت مرجع صلاحیتدار قضایی اجرای وظیفه کردن و یا مورد اعتماد و وثوق مرجع قضایی بودن؛ لذا

ناگزیر لازم است در مورد این شاخصها بحث تحلیلی انجام شود. مصداقهای ضابطان نظامی نیز در مواردی محل تردید و شبهه است و در مواردی نیز ابهام تداخل وظایف و مسئولیتها درباره آنها به چشم می خورد؛ پس این بُعد از مسئله نیز نیازمند کاوش و جستجو است.

### ۳. اهداف پژوهش

- شناسایی معیار جداسازی ضابطان نظامی از دیگر ضابطان با تأکید بر ناجا در قانون آیین دادرسی کیفری
- شناسایی مصداقهای ضابطان نظامی در قانون آیین دادرسی کیفری
- شناسایی معیارهای قانونی تشخیص ضابطان نظامی در نیروهای مسلح

### ۴. سؤالات پژوهش

- معیارهای جداسازی ضابطان نظامی از دیگر ضابطان قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری چیست؟
- مصداقهای ضابطان نظامی در قانون آیین دادرسی کیفری چه کسانی هستند؟
- معیارهای قانونی تشخیص ضابطان نظامی چیست؟

### ۵. مبانی نظری پژوهش

#### ۱-۵. ضابط عام دادگستری

ضابطان عام، ضابطانی هستند که صلاحیت عام دخالت در مورد هر جرمی را دارند و وظایف و اختیارات آنها به جرائمی معین یا شرایطی خاص محدود نیست (خالقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۶۱؛ پورعلی، ۱۳۹۶، ص ۲۳-۳۷-۳۸؛ آخوندی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۲؛ پاهکیده، ۱۳۹۵؛ رحمدل، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۷-۵۰).

ضابطان عام دادگستری، مأمورانی هستند که رأساً به موجب قانون و یا تحت نظارت و تعلیمات قانونی مقام قضایی در کشف تمام جرائم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهمان و ابلاغ اوراق قضایی و اجرای تصمیمات قضایی به استثنای مواردی اقدام می کنند که به موجب قوانین خاص از شمول صلاحیت آنها خارج است (معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۱، ص ۸؛ برین، ۱۳۹۵؛ مهدی پور، ۱۳۸۵، ص ۳۹).

ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ مقرر کرده است که ضابطان دادگستری، مأمورانی

هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و نشانه‌ها و جمع‌آوری دلائل وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

طبق بند الف ماده ۲۹ اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ ضابطان عام شامل فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران است که آموزش مربوط را دیده باشند. باید توجه کرد که تمام فرماندهان و افسران و درجه‌دارانی که در نیروی انتظامی وظیفه خود را انجام می‌دهند، ضابط به شمار نمی‌روند بلکه آن دسته از نیروها که به شرح مقرر در بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی در موقعیت شغلی مرتبط با اجرای وظیفه ضابطیت قرار دارند، ضابط به شمار می‌روند؛ برای مثال کارکنانی که در سازمان نظام وظیفه یا بخش‌های مربوط به صدور گذرنامه اشتغال دارند؛ ضابط نیستند (طهماسبی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۶ و ۱۱۷).

## ۵-۲. ضابط خاص دادگستری

ضابطان خاص دادگستری، مأمورانی هستند که مستقیماً به موجب قانون یا تحت نظارت و تعلیمات قانونی مقام قضایی در حدود وظایف و در مورد جرائم خاصی، یک یا چند وظیفه از وظایف ضابط را از قبیل کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی را انجام می‌دهند و مراتب را به مقام قضایی ابلاغ می‌کنند (خزایی، ۱۳۹۶، ص ۵۵-۵۷). معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۱، ص ۲۰). ضابطان خاص، ضابطانی هستند که صلاحیت دخالت آنها به جرائمی خاص یا شرایطی معین محدود است و در غیر از آن جرائم یا بدون تحقق آن شرایط، حق مداخله و اقدام ندارند؛ درعین حال باید توجه کرد که ضابط شناخته شدن این افراد در زمینه‌ای خاص، صلاحیت دخالت و اقدام ضابطان عام را در این حوزه نفی یا محدود نمی‌کند، بلکه اشخاص اخیر یعنی ضابطان عام در همه حال ضابط دادگستری شناخته می‌شوند (آخوندی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۲؛ خالقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۶۲ و ۶۳). در واقع مأمورانی که به موجب قوانین خاص، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند، ممکن است تمام اختیارات ضابطان دادگستری را دارا نباشند و یا فقط از لحاظ وظایف خاص و یا در زمانی معین ضابط دادگستری به شمار آیند (آخوندی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۵). از این تعاریف این نکات در مورد ضابطان خاص نتیجه می‌شود:

- ۱- در مورد برخی امور و جرائم، وظایف و اختیارات ضابطیت را دارند و نه همه جرائم.
- ۲- ممکن است برخی از وظایف ضابطیت را عهده‌دار باشند و نه همه وظایف ضابطیت را.
- ۳- در شرایط خاصی و نه هر حالتی، وظایف و اختیارات ضابطیت را دارند.
- ۴- صلاحیت آنها، مانع صلاحیت ضابطان عام نیست.

ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ در بند ب، ضابطان خاص را شامل مقامات و مأمورانی می‌داند که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف آنان ضابط دادگستری به شمار می‌روند؛ از قبیل رؤسا، معاونان و مأموران زندان نسبت به کارهای مربوط به زندانیان، مأموران وزارت اطلاعات و مأموران نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

ذیل این بند از این ماده پس از تبیین ضابطان خاص، آشکارا مقرر کرده است که دیگر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون، "تمام" یا "برخی" از وظایف ضابطان به آنان واگذار شود، ضابط هستند. بنابراین تنها به موجب قانون و نه مصوبه‌ای دیگر<sup>۱</sup>، ممکن است اشخاصی تمام یا بخشی از وظایف ضابطان را انجام دهند. البته تبصره همین ماده تصریح کرده است که کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری نیستند؛ اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد وظیفه خود را انجام می‌دهند و مسئولیت اقدامات در این رابطه با ضابطان است و این مسئولیت نافی مسئولیت قانونی کارکنان وظیفه نیست.

ضابطان خاص را با توجه به حدود اختیاراتی که قانونگذار به آنها واگذار کرده است، می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛ اما دسته‌ای از مأموران و افراد نیز هستند که حوزه عملیاتی آنها مشابه با ضابطان خاص است بی‌اینکه قانون، آنها را به‌طور خاص و مشخص ضابط کرده باشد؛ با این حال برخی از وظایف ضابطان به آنها واگذار شده است (آخوندی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۵-۳۷؛ خالقی، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۶۱-۷۰؛ رحمدل، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۷-۵۰؛ طهماسبی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۸-۱۲۱؛ معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ۱۳۸۱، ص ۲۱-۴۹).

۱- دسته اول ضابطانی هستند که پس از کشف جرم مکلفند مستقیماً به موجب قانون و یا تحت نظارت و تعلیمات قانونی مقام قضایی، اقدامات لازم را به‌منظور حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم به عمل آورند و مراتب را به مقام قضایی گزارش کنند؛ مانند اعضای نیروی مقاومت بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، فرمانده هواپیما، مأموران انتظامی راه‌آهن، مأموران جنگل‌بانی

۲- دسته دوم ضابطانی هستند که در قوانین مربوط صرفاً گزارش آنها به منزله گزارش ضابطان دادگستری است و قوانین خاص، تکلیف دیگری از جهت حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم بر عهده آنها قرار نداده است؛ مانند مأموران شهرداری و بازرسان سازمان تأمین اجتماعی و بازرسان کار و کارشناسان بهداشت کار.

۱. تعیین ضابط با مصوبه شورای عالی امنیت ملی، مغایر اصول ۸۵ و ۱۷۶ قانون اساسی است. (بند ۹ از اظهار نظر ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ شورای نگهبان در مورد لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب جلسه مورخ نوزدهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و نود مجلس شورای اسلامی که بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی رسیده بود).

۳- دسته سوم، که مأموران مشابه با ضابطان خاص هستند، قانون آنها را ضابط نامگذاری نکرده است؛ ولی برخی وظایف ضابطان را بدانها واگذار کرده است؛ مانند مأموران وزارت جهاد کشاورزی، مأموران وزارت راه و شهرسازی و اعضای شورای اسلامی روستا و بازرسان و کارشناسان مؤسسه استاندارد و کارشناسان رسمی دادگستری و تمام رؤسای سازمانهای دولتی و وابسته به دولت

۳-۵. ضابط نظامی در ادبیات حقوقی و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و شاخصهای آن در ادبیات حقوقی، ضابطان نظامی مأمورانی هستند که در حدود قوانین و مقررات مختص جرائمی تحقیق می کنند که در صلاحیت دادگاههای نظامی است و برای حفظ آثار و دلایل این نوع جرائم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، طبق مقررات قانون، اقدام لازم را به عمل می آورند. در واقع کشف و تحقیق جرائمی که در صلاحیت دادسراها و دادگاههای نظامی است به وسیله ضابطان نظامی صورت می گیرد (آخوندی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۸؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۳۸۲)؛ لذا شناسایی دقیق وظایف، اختیارات و مسئولیتهای ضابطان نظامی به عنوان گامی اساسی در جهت آسیب شناسی قواعد حاکم، منوط به بررسی دو مسئله مهم صلاحیت دادسرا و دادگاههای نظامی به عنوان بخشی از ساختار اختصاصی قوه قضاییه و هم چنین، وظایف، اختیارات و مسئولیتهای ضابطان دادگستری به صورت عام و کلی است.

به موجب ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸، ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می کنند.<sup>۱</sup>

## ۶. روش شناسی پژوهش

این تحقیق در حوزه دانش آیین دادرسی کیفری به عنوان یکی از زیرمجموعه های علم حقوق، و با هدف کاربردی، و به شیوه توصیفی (توضیح چگونگی متغیرها و روابط میان آنها) و تحلیلی

۱. از قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸/۱۰/۰۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی (منسوخ)

ماده ۱۲۲ - ضابطان نظامی مأمورانی هستند که در حدود مقررات این قانون مکلف به بازرسی و تحقیق بزههایی هستند که در حدود صلاحیت دادگاههای نظامی است و اقداماتی را که برای جمع آوری دلائل و مدارک مربوط و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و تعقیب قانونی قضیه لازم است به عمل می آورند.

ماده ۱۲۳ - وظیفه ضابطان نظامی به وسیله اشخاص مشروح ذیل اجرا می شود:

- مأموران دژبانی
- مأموران امنیه
- افسران و درجه داران در مورد بزه های مشهود در صورت عدم حضور دیگر ضابطان نظامی
- دادستانها و بازرسانهای نظامی

ریشه‌شناسی و ارزیابی علی نسبت میان متغیرها) و با رویکرد انتقادی و آسیب شناسانه و با استفاده از انواع منابع کتابخانه‌ای اعم از اسناد حقوقی و قوانین و مقررات و آرای قضایی و کتابها و مقالات مکتوب و الکترونیکی صورت گرفته است. البته برای افزایش دقت و اتقان یافته‌های علمی با برخی از قضات عالی‌مقام سازمان قضایی نیروهای مسلح نیز مصاحبه علمی انجام، و از محتوای آنها در متن تحقیق بهره‌برداری شده است؛ لذا برای رسیدن به اهداف تحقیق و پاسخگویی به سؤالات تحقیق، اتخاذ روش توصیفی تحلیلی با رویکرد انتقادی مدنظر قرار گرفته است. بدین منظور در این پژوهش با جستجو در منابع و مستندات قانونی گوناگون و لازم الاجرا همچون قوانین و آیین‌نامه‌ها و افزون بر آن در آرا و احکام مراجع قضایی صالح، که در سامانه اینترنتی بانک داده آرای پژوهشگاه قوه قضاییه منتشر شده، غور و تتبع، و به روش قیاسی و استنتاجی از مفاد و مدلول آرای یاد شده در راستای اهداف پژوهش، نکات حقوقی و معیارهای قانونی و ضوابط حاکم بر آن معیارها استخراج شده است. همچنین طی مصاحبه‌های تخصصی با برخی از قضات دادسرا و دادگاه در سازمان قضایی نیروهای مسلح به مثابه مرجع قضایی صالح، که ضابطان نظامی بیشترین و مستقیم‌ترین ارتباط را با این نهاد دارند درباره عوامل ضابطیت نظامی و مصداقهای ضابطان مبتنی بر قوانین و مقررات نکات متعددی استفاده شد که در دستیابی به اهداف تحقیق و عینی شدن نتایج بسیار مؤثر بوده است.

## ۷. عوامل ضابطیت نظامی در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

باید دانست که وجود چه ویژگیها و عواملی، هر مأمور را به‌مثابه ضابط نظامی معرفی، و از دیگر ضابطان و مأموران جدا می‌کند. طبعاً هر فرد نظامی را نمی‌توان ضابط قوه قضاییه منظور کرد. طبق بند ۱۳ از سیاستهای کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱/۰۷/۲۸ مقام معظم رهبری، ضوابط اسلامی مناسب برای تمام امور قضایی از قبیل قضاوت، وکالت، کارشناسی و ضابطان و نظارت مستمر باید تعیین شود و قوه قضاییه بر حسن اجرای آنها پیگیری کند (وروایی و رضایی فرد، ۱۳۹۴). با عنایت به مندرجات قانون آیین دادرسی کیفری و قوانین و مقررات مرتبط با آن چند ضابطه برای تشخیص ضابطان نظامی قابل شناسایی است (آشنا، داداشی چکان، و پورقهرمانی، ۱۳۹۶، ص ۱۲ و ۱۳؛ خزایی، ۱۳۹۶، ص ۶۱؛ نک: محمدنسل، ۱۳۹۶، ص ۹۶-۹۸).

- ۱- نظامی بودن
- ۲- مورد اعتماد بودن
- ۳- کسب مهارت‌های لازم
- ۴- مأمور بودن
- ۵- تحت نظارت مقام قضایی صالح بودن



ضابط نظامی، همان‌طور که از عنوانش هویداست، طبعاً ضابطی است که نظامی به شمار می‌رود. به دو دلیل ورود به این مقوله ضروری است تا به صورت دقیق و موردی مشخص باشد که از دید قوانین و مقررات به چه افرادی نظامی اطلاق می‌شود: نخست اینکه برای شناسایی مصادقاتهای ضابطان نظامی، مشخص کردن مصادقاتهای نظامیان ضروری است. افزون بر این، صلاحیت محاکم نظامی، که عامل اصلی تعیین وظایف و اختیارات ضابطان نظامی است، خود در گرو شناسایی مفهوم و مصادقاتهای نظامیان است.

ماده ۱ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ مجلس شورای اسلامی در ۸ بند نظامیان را تعریف کرده است:

- الف - کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته  
 ب - کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته<sup>۱</sup>  
 ج - کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و سازمانهای وابسته و اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی<sup>۲</sup>  
 د - کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای وابسته  
 ه - کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران. طبق تبصره ماده ۱ قانون نیروی انتظامی، نیروهای مسلحی که در جهت امور انتظامی در ارتباط با قوه قضاییه، وزارتخانه‌ها و سازمانها و نهادها و مؤسسات مختلف فعالیت می‌کنند در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ادغام می‌شوند و از طریق وزارت کشور و نیروی انتظامی تحت امر آن واحدها قرار خواهند گرفت.  
 و - کارکنان وظیفه از تاریخ شروع خدمت تا پایان آن  
 ز - محصلان - موضوع قوانین استخدامی نیروهای مسلح - مراکز آموزش نظامی و انتظامی در داخل و خارج از کشور و نیز مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح  
 ح - کسانی که به‌طور موقت در خدمت نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران هستند و طبق قوانین استخدامی نیروهای مسلح در همان مدت از اعضای نیروهای مسلح به شمار می‌روند.  
 علاوه بر ماده یک قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ به موجب قانون تعیین حدود صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی و مجوزهای حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، اشخاصی که نظامی هستند و به جرائم خاص آنان در دادرها و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود،<sup>۳</sup> عبارتند از:

۱. مواد ۱۸ تا ۴۳ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۰۷/۰۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی

۲. مواد ۴ تا ۱۵ قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۲۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی

۳. در طبقه‌بندی نظامیان، که در ادامه می‌آید، علاوه بر قوانین و مقررات گوناگون لازم‌الاجرا مرتبط با نیروهای مسلح از سایت رسمی سازمان قضایی نیروهای مسلح به نشانی [www.imj.ir](http://www.imj.ir) استفاده شده است.

- کارکنان ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته
- کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمانهای وابسته
- کارکنان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمانهای وابسته
- کارکنان وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای وابسته
- کارکنان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
- کارکنان وظیفه از شروع خدمت تا پایان آن
- محصلان مراکز آموزش نظامی و انتظامی و مراکز آموزش وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در داخل و خارج از کشور
- کسانی که به طور موقت در خدمت نیروهای مسلح هستند.
- کارکنان وزارت اطلاعات
- اسیران ایرانی و اسیران بیگانه
- نیروهای مأمور به خدمت در سازمانهای دیگر

## ۲-۷. مورد وثوق و اعتماد بودن

به موجب ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی کیفری، احراز عنوان ضابط دادگستری به اثبات و تأیید وثاقت و مورد اعتماد بودن فرد مورد نظر منوط است.

وثاقت و مورد اعتماد بودن: منظور از وثاقت و مورد اعتماد بودن این است که علاوه بر داشتن صلاحیتهای مکتبی و عقیدتی، که برای همه نیروهای مسلح لازم است برای احراز عنوان ضابط نظامی باید مأموران از ویژگیهای برجسته تری از نظر توان ایمانی و امانت و سلامت روحی لازم برخوردار باشند (متین راسخ و آساره، ۱۳۹۶، ص ۱۰-۱۴).

از نظر شورای نگهبان در بند ۱۱ از اظهار نظر ۹۰/۳۰/۴۶۱۴۱ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۳ در مورد لایحه آیین دادرسی کیفری مصوب جلسه مورخ نوزدهم بهمن ماه یک هزار و سیصد و نود مجلس شورای اسلامی، که بر اساس اصل ۸۵ قانون اساسی به تصویب کمیسیون قضایی و حقوقی رسیده بود، باید شرط وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن برای ضابطان ملحوظ شود و گرنه شرایط مقرر در ماده (۳۰) برای ضابطان کافی نیست و خلاف موازین شرع است؛ لذا وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن، شرطی ماهوی و در عرض دیگر شرایط و اوصاف قانونی لازم برای احراز جایگاه ضابطیت است. طبعاً این شرط ماهوی و ایجابی، مستلزم احراز و اثبات است و نمی توان فرض را بر وجود چنین شرطی در همه مأموران مقرر در ماده ۲۹ (ضابطان عام و خاص) قرار داد؛ چرا که در این صورت درج چنین قیدی در قانون، بی معنا و فاقد مابه‌ازا است و اساساً ایراد شورای نگهبان به نسخه نخستین ماده ۳۰ بلاوجه تلقی و تفسیر می شود که طبعاً چنین برداشتی موجه و معقول و پذیرفتنی نیست.

در مورد احراز وثاقت و مورد اطمینان بودن نیز باید قائل به این شد که صدور کارت ضابط دادگستری بر چنین وثوقی دلالت دارد (رئیس‌ی نافیجی، ۱۳۹۶، ص ۱۶). بنابراین صدور کارت ضابطیت، صرفاً صوری و تشریفاتی نیست و بر احراز وثاقت و اطمینان بخشی ضابط صاحب کارت دلالت دارد. البته بدین معنا نیست که وصف وثاقت از ضابط مطلقاً قابل سلب نیست. صدور کارت ضابطیت بر وجود شرایط قانونی احراز ضابطیت دلالت دارد ولی مانند همه مناصب و مشاغل دیگر، اثبات خلاف آن و سلب یا نبودن یا ازاله اوصاف قابل اثبات است. نکته مهم این است که در هر حال، ضابط باید مورد اعتماد و وثوق مقام صلاحیتدار قضایی باشد؛ چرا که مراجع قضایی در مراحل و فرایندها و مقاطع گوناگون رسیدگی به پرونده‌ها ناگزیر از اعتماد به ضابطان و ارجاع کارهای گوناگون به آنها برای تحقیق و غیر آن هستند و بر مبنای صورتجلسه‌ها و گزارشهای رسیده به تصمیم‌گیری اقدام می‌کنند.

روشن است که شرط وثاقت و مورد اعتماد بودن، که به دلیل ایراد شورای نگهبان به ماده ۳۰ قانون افزوده شد در ضابطان دادگستری موضوع ماده ۲۹ منحصر نیست و دیگر ضابطان بویژه ضابطان نظامی ناجا را هم دربرمی‌گیرد. توضیح اینکه نمی‌توان با تمسک به عدم ذکر شرط وثاقت در ماده ۶۰۳ برای ضابطان نظامی قائل به این گزاره شد که ضابطان دادگستری مقرر در ماده ۲۹ لازم است مورد اعتماد و وثوق مرجع قضایی باشند ولی دیگر ضابطان بویژه ضابطان نظامی مقرر در ماده ۶۰۳ لازم نیست واجد چنین شرطی باشند. در واقع جایگاه ضابطیت و نوع و ماهیت اختیارات و وظایف قانونی آنها و کیفیت ارتباط آنها با مراجع صالح قضایی و نقش و تأثیر اقدامات و گزارشهای آنها در فرایند رسیدگی به جرائم و نهایتاً کشف حقیقت و تحقق عدالت کیفری اقتضا دارد که همه ضابطان قوه قضاییه، اعم ضابطان نظامی و غیر آنها، مورد اعتماد و وثوق قاضی به عنوان شرطی ماهوی برای ایفای صلاحیتهای ضابطیت باشند و به این دلیل تفاوتی میان ضابطان گوناگون قوه قضاییه وجود ندارد؛ لذا ضابطان نظامی نیز باید مورد وثوق و اطمینان قاضی باشند و این مهم، باید احراز شود. مؤید دیگر این است که هیچ معنا و وجهی ندارد که برای فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به عنوان ضابطان عام، موضوع ماده ۲۹ قانون آیین دادرسی کیفری، شرط وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن برای احراز مقام ضابطیت شرط و ملحوظ باشد ولی برای همین مقامات و کارکنان یعنی فرماندهان، افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی موضوع ماده ۶۰۳ همین قانون به مثابه ضابط نظامی، چنین شرطی (وثاقت و مورد اعتماد قاضی بودن) وجود نداشته باشد.

پیش از این نیز بیان شد که ماده ۶۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری، معیاری کلی و نوعی برای

شناسایی وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ضابطان نظامی تعیین کرده است. طبق این ماده دیگر وظایف، اختیارات و مسئولیتهای ضابطان نظامی در محدوده صلاحیت دادسرا و دادگاههای نظامی به شرحی است که برای ضابطان دادگستری مقرر شده است. از جمع میان مدلول ماده ۶۱۲ و مفاد ماده ۳۰ این نتیجه بخوبی به دست می آید که احراز عنوان ضابط نظامی، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن به فراگیری مهارتهای لازم با گذراندن دورههای آموزشی زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان نظامی منوط است. تحقیقات و اقدامات از سوی اشخاص فاقد این کارت، ممنوع، و از نظر قانونی بدون اعتبار است.

در واقع در صورتی می توان قواعد و مقرات ناظر به وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ضابطان دادگستری را به استناد ماده ۶۱۲ به ضابطان نظامی تسری داد که ضابطان نظامی نیز اوصاف مشترک و شرایط قانونی مقرر برای ضابطان دادگستری را دارا باشند. در واقع پیوند استوار و معناداری میان اوصاف و شرایط قانونی پیش‌بینی شده برای ضابطان (شرایط احراز عنوان ضابط دادگستری) از یک سو و وظایف و اختیارات و مسئولیتهای قانونی مقرر برای آنان از سوی دیگر برقرار است. در واقع قانونگذار برای مأمورانی که دارای اوصاف قانونی خاصی (وثاقت و آموزش دیده بودن) هستند، حوزه صلاحیت (وظایف و اختیارات) مشخص تحت عنوان ضابط تعریف کرده است؛ با این حال از لحاظ صراحت بیان قانونگذار و شفافیت احکام قانونی و برای پیشگیری از بروز اختلاف نظر لازم بود قانونگذار در ماده ۶۰۳ نیز قید " وثاقت و مورد اعتماد بودن" را برای ضابطان نظامی نیز ذکر می‌کرد.

### ۷-۳. کسب مهارت و گذراندن آموزشهای لازم

در فرایند رسیدگی قضایی به پرونده، نخستین تعرضی که به حقوق متهم و دیگر شهروندان صورت می‌گیرد در همان مرحله ابتدایی تشکیل پروندههای جزایی است؛ زیرا ضابط نخستین فردی است که با صحنه جرم و شاک و متهم رو به رو می‌شود و باید شایستگیهای لازم را داشته باشد که از طریق آموزش و تجربه به دست می‌آید. باید دانست که هر چه ضابطان آموزش بیشتری دیده باشند و خدمات قضایی را تحت نظر مقام قضایی بهتر بیاموزند، قانون دقیقتر اجرا، و با حسن اجرای قانون، حقوق متهم و قربانیان جرم و منافع جامعه بهتر تأمین می‌شود. ضابطان باید در حد اعلای فضیلت اخلاقی، علمی، دینی، جسمانی و روحی باشند تا بتوانند در مواقع لزوم به شهروندان کمکهای لازم را ارائه کنند (آخوندی، ۱۳۸۴ الف، ج ۴، ص ۱۵۴ و ۱۵۵). کشف حقیقت نیز همین اقتضا را دارد.

به موجب بند ۱۱ از سیاستهای کلی قضایی مصوب ۱۳۸۱/۰۷/۲۸ مقام معظم رهبری،

افزایش سطح علمی و شایستگی اخلاقی و توان عملی ضابطان دادگستری و فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی یکی از راهبردهایی است که باید به صورت دائم مدنظر دستگاه قضا باشد.

آموزش مأموران برای ضابط نظامی بودن مستلزم کسب دو دسته آموزش شامل آموزشهای عملی به منظور کسب مهارت و آموزشهای نظری برای کسب دانش لازم است. به این نکته هم باید توجه کرد که این آموزشها هم در مرحله صدور کارت ضابط بودن و هم هنگام خدمت و انجام دادن وظایف مدنظر است (متین راسخ و آساره، ۱۳۹۶، ص ۱۴-۱۸).

ماده ۶۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸ سازمان قضایی نیروهای مسلح را مکلف کرده است پیوسته دوره‌های آموزشی هنگام خدمت را به منظور کسب مهارت‌های لازم و ایفای وظایف قانونی برای ضابطان نظامی برگزار کند. طبق تبصره همین ماده نیز مقرر شده است آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون توسط رئیس سازمان قضایی و با هماهنگی ستاد کل نیروهای مسلح تهیه شود و به تصویب رئیس قوه قضاییه برسد. به منظور تدارک شرایط لازم ایفای صحیح تکالیف قانونی از سوی ضابطان نظامی و هم‌چنین تحقق حداکثری هدف قانونگذار از پیش‌بینی این شرط برای ضابطان، باید قائل به نفوذ و اعتبار آیین‌نامه اجرایی احراز عنوان ضابط دادگستری مصوب ۱۳۹۴/۰۶/۳۱ رئیس قوه قضاییه درباره ضابطان نظامی شد. لازم است ذکر شود که طبق ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی یادشده آموزش ضابطان نظامی و صدور کارت برای آنان بر اساس آیین‌نامه موضوع تبصره ماده ۶۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی شده است. همان طور که بیان شد، آیین‌نامه اجرایی چگونگی برگزاری دوره‌های آموزشی هنگام خدمت ضابطان نظامی در ۱۳۹۷/۹/۱۸ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسید و در ۱۳۹۷/۹/۱۹ در روزنامه رسمی منتشر شد.

به موجب ماده ۵ آیین‌نامه، سازمان قضایی نیروهای مسلح مکلف است دوره‌های آموزش خاص ضابطان نظامی را با لحاظ اهداف زیر طراحی کند:

الف - ارتقای دانش حقوقی ضابطان نظامی

ب - توانمندسازی و افزایش مهارت شغلی ضابطان نظامی

پ - افزایش سرعت و دقت در رسیدگی‌های کیفری

ت - آموزش مهارت‌های رفتاری ویژه ضابطان نظامی

برابر ماده ۶، از طریق دوره‌های آموزشی مربوط، دانش‌آموختگان باید به توانایی‌های لازم از

جمله موارد زیر دست یابند:

- الف - توانایی تشخیص چگونگی جداسازی جرائم مشهود از غیرمشهود  
 ب - تشخیص نوع وظایف و اختیارات آنان در جرائم مشهود و غیرمشهود  
 ج - توانایی تشخیص مسئولیتهای کیفری و مدنی ناشی از رفتار زیانبار ضابطان  
 د - توانایی و شناخت لازم به منظور همکاری و تعاون با دیگر مراجع قضایی در امور کیفری  
 ه - شناخت دلائل اثباتی جرم و آثار آن  
 و - جایگاه دادستان و دیگر مقامات و مراجع ذی ربط قضایی  
 ز - انواع ضابطان و ارزش قانونی گزارشهای آنان

ماده ۱۱ مقرر کرده است که برای مأمورانی که پس از قبولی در آزمون، گواهینامه گذراندن دوره آموزشی را کسب می‌کنند، کارت ضابط نظامی صادر می‌شود. این کارت به صورت متحدالشکل توسط سازمان تهیه، و به دادسراهای نظامی استانها ابلاغ می‌شود (ماده ۱۲). برابر ماده ۱۳ کارت حاوی عکس، درجه یا رتبه، یگان خدمتی، استان محل خدمت، نام و نام خانوادگی، نام پدر، شماره ملی، شماره ضابط، تاریخ صدور، حوزه قضایی مربوط و مدت اعتبار است که به امضای دادستان نظامی استان می‌رسد.

نکته بسیار مهم اینکه اعتبار کارت ضابطیت دائمی نیست و موقتی است. به موجب ماده ۱۴، مدت اعتبار کارت از تاریخ صدور سه سال شمسی است و به پیشنهاد یگان خدمتی از سوی مرجع صادرکننده کارت، قابل تمدید است. البته طبق تبصره ۱ این ماده، تمدید کارت با لحاظ ارتقای سطح مهارتها منوط به شرکت مستمر ضابطان در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت است.

همچنین چنانچه ضابط نظامی فاقد شرایط قانونی شود به تشخیص دادستان نظامی استان و تأیید رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان نسبت به ابطال کارت وی اقدام خواهد شد (ماده ۱۶). در صورت انتقال ضابط از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر، استمرار وظایف ضابطیت به تأیید دادستان و صدور کارت در حوزه جدید منوط خواهد بود (ماده ۱۷).

#### ۴-۷. مأمور بودن و اوصاف و شرایط قانونی آن

در این قسمت به ویژگیها و شرایطی پرداخته می‌شود که مأمور دولتی و از جمله ضابطان نظامی باید دارا باشند تا اساساً به لحاظ قانونی "مأمور" محسوب شوند؛ به بیان دیگر کدام مأمور قانوناً به اطاعت از دستور آمر ملزم است و از نظر قانون مأمور شناخته می‌شود و مخاطب اراده قانونگذار و تکالیف قانونی قرار می‌گیرد.

مأمور باید به موجب قانون به پیروی از آمر موظف، و به اجرای دستور او مکلف باشد. بنابراین مأمور حق اجرای امری قانونی را ندارد که به اجرای آن مأمور نیست و در صورت اقدام به آن مقصر

است (اردبیلی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۸۳). روشن است که در نظام حقوقی هر شخصی، هر چند مأمور نظامی، حق ندارد هر امری را به موقع اجرا گذارد؛ هر چند به قانونی بودن آن یقین داشته باشد و مقام رسمی والارته به ای آن دستور را صادر کرده باشد. در نظام مبتنی بر حاکمیت قانون، این قانون است که مأمور مکلف به اجرای دستور را تعیین می‌کند نه اینکه خود مأمور و یا هر مقام دیگری صلاحیت چنین تشخیصی را داشته باشد. بنابراین مأمور باید صلاحیت اجرای دستور را به لحاظ سازمانی داشته باشد (طباطبائی مؤتمنی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۱). از اصول بدیهی در حقوق اداری است که تا زمانی که قانون، صلاحیتی را برای شخصی در نظر نگرفته است، شخص مورد نظر فاقد هرگونه صلاحیتی است (اصل عدم صلاحیت). دیگر اینکه مأمور باید به نوعی در اختیار و خدمت دولت باشد (باهری و داور، ۱۳۸۰، ص ۳۴۳؛ نوربها، ۱۳۸۴، ص ۲۸۰)؛ به بیان ساده‌تر "دولتی" باشد. البته مأمور دولت بودن به استخدام در قوه مجریه اختصاص ندارد و قوای دیگر را نیز در برمی‌گیرد. مهم این است که رابطه استخدامی میان مأمور و سازمان متبوعش برقرار باشد که با توسل به آن رابطه، بتوان فرد مورد نظر را "مأمور دولت" قلمداد کرد. بر اساس تعریف یکی از حقوقدانان برجسته، "مأموران به خدمات عمومی کسانی هستند که با یکی از سازمانهای عمومی برای تحقق یک خدمت عمومی یا برآوردن نیاز عمومی همکاری می‌کنند و تابع قوانین و مقررات عمومی هستند و در صورت نبودن قانون یا ناروشتنی و تاریکی حقوق نوشته به یاری هنجارها و نظام کلی حقوق عمومی، حقوق و تکالیف آنان روشن می‌شود" (ابوالمحمد، ۱۳۷۹، ص ۵۲).

لازم به ذکر است که تمام کارمندان دولت در محدوده وظایف خود از مقامات رسمی به شمار می‌روند (شکری و سیروس، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸ و ۱۴۹). از لفظ عام "کلیه" بخوبی استنباط می‌شود که کارمندان پیمانی و روزمزد و حکمی و غیر اینها نیز در حدود وظایف خود چنین عنوانی دارند. روشن است که کارمندان و مستخدمان نظامی و از جمله ضابطان نیز کارمند دولت هستند.

البته باید توجه کرد که اگر مأموری در جایگاه ضابط منصوب شد و شرایط مقرر در ماده ۳۰ را نداشت، اگرچه برای مقام منصوب کننده تخلف محسوب می‌شود، از ضابط رفع تکلیف نمی‌کند؛ لذا مأموری که در محل و موقعیت شغلی ضابط اجرای وظیفه می‌کند، نمی‌تواند مدعی شود که به لحاظ نداشتن کارت، مسئولیتی ندارد (طهماسبی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۵).

با تتبع در روش قضایی، آرای مشاهد و یافت می‌شود که بر این مهم دلالت می‌کند یکی از عناصر قانونی برای ضابط تلقی شدن مأمور این است که از سوی مرجع صالح مأموریت داشته باشد. ذکر این نکته ضروری است که در استناد به این آراء، تکیه و توجه بر عامل "لزوم مأمور بودن" بوده، و دیگر ابعاد دادنامه مفروغ عنه است و محل بحث و تحلیل و نقد نیست.



همان‌طور که بروشنی در استدلال آرای گوناگون قضایی وجود دارد، لازم است ضابط، مأموریتی به عنوان ضابط دادگستری و با حکم قضایی داشته باشد تا به عنوان ضابط شناخته شود و آثار قانونی مترتب بر این جایگاه از جمله مرجع صالح برای رسیدگی به جرم احتمالی انتسابی مشخص شود. بدیهی است که این عامل از اوصاف عام ضابطان است و لذا تفاوت حقوقی میان ضابطان عام و نظامی در این زمینه نیست.

#### ۷-۵. تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی صالح بودن

به موجب ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸، ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط به موجب قانون اقدام می‌کنند.

ماده ۶۰۷ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸ نیز مقرر کرده است که دادستان نظامی به‌منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان، واحدهای مربوط را حداقل هر دو ماه یک بار مورد بازرسی قرار می‌دهد و در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید، و دستورهای لازم را صادر می‌کند. در این راستا مسئولان یگان مربوط به همکاری با دادستان نظامی مکلف هستند. اصولاً معانی و مفاهیم ریاست و نظارت بر رفتار ضابطان علی‌القاعده مستلزم جواز اجرای هرگونه تحقیقات لازم، بررسی اوراق، پرونده‌ها و دفاترها و بازرسی و بازدید از پاسگاه‌ها، واحدها و بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی توسط مراجع قضایی ذی‌صلاح به منظور اطمینان از اجرای صحیح قوانین و دستورات مقامات قضایی و رسیدگی به شکایت از چگونگی رفتار ضابطان دادگستری در ارتباط با وظایف قانونی آنان است.

ماده ۶۰۹ قانون یادشده الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸ تصریح دارد که ریاست و نظارت بر ضابطان نظامی از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط بر عهده دارند با دادستان نظامی است. دیگر قضات دادرسی و دادگاه نظامی نیز در کارهایی که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت و ارائه آموزشهای لازم را دارند؛ لذا دادستان نظامی ناظر قانونی بر ضابطان نظامی از حیث عنوان ضابطیت آنها است. تبصره الحاقی این ماده ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی را که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار دانسته است.

در همین راستا ماده ۳۲ قانون یاد شده مقرر کرده است که ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به‌عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است و دیگر مقامات قضایی نیز در کارهایی که به ضابطان ارجاع می‌دهند، حق نظارت دارند.

البته توجه به این نکته ضروری است که طبق ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی کیفری دادستان



کل کشور بر تمام دادسراهای عمومی و انقلاب و نظامی نظارت دارد و به‌منظور حسن اجرای قوانین و ایجاد هماهنگی بین دادسراها می‌تواند به بازرسی اقدام کند و تذکرات و دستورهای لازم را خطاب به آن مراجع قضایی صادر کند. همچنین وی پیشنهادهای لازم را به رئیس قوه قضاییه و دیگر مراجع قضایی و اجرایی ذی‌ربط ارائه می‌کند؛ لذا نظارت دادستان کل بر دادسراهای نظامی، گویای وجه ارتباط مسئولیت دادستان کل با ضابطان نظامی است که در رابطه با دادسرای نظامی انجام وظیفه می‌کنند. این مواد قانونی بر اشراف و برتری مقامات صلاحیتدار قضایی بر مقامات نظامی و اجرایی دلالت دارد.

نظارت و ریاست دادستان بر ضابطان تنها از حیث وظایفی است که به‌عنوان ضابط بر عهده دارند و این ریاست و نظارت، مطلق و همه‌جانبه نیست. نتیجه ریاست این است که ضابطان در امور قضایی و مسائل مربوط به کشف جرم و تحقیقات مقدماتی از هیچ مقام دیگری پیروی نمی‌کنند. فرماندهان مربوط و یا مقامات سیاسی نیز حق مداخله در این کارها را ندارند و پیروی ضابطان از خواسته‌ها یا دستورهای آنها از ضابطان رفع مسئولیت نمی‌کند (طهماسبی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۱۵). همین اشراف و برتری مقام قضایی بر مقامات اداری و ضابطان نظامی است که لزوم پیروی از همه دستورهای قضایی و اجرای احکام از سوی مراجع صالح قضایی را اثبات می‌کند و مبرهن می‌سازد؛ لذا نفس تحت نظارت مقام قضایی بودن ضابطان نظامی، علاوه بر اینکه برای آن مراجع قضایی موجد صلاحیت و مسئولیت قانونی است، مستلزم پیروی تام ضابطان از اوامر قانونی مراجع صالح قضایی در مورد وظایف ضابطیت است. بنابراین در هر موردی که مستند قانونی خاص و روشنی دال بر لزوم اجرای دستور و احکام از سوی مرجع قضایی مربوط نباشد، به حکم برتری مرجع قضایی بر اداری، لزوم پیروی ضابطان احراز می‌شود.

هم‌چنین تبصره ذیل ماده ۳۲ صرفاً ارجاع امر از سوی مقام قضایی به مأموران یا مقاماتی را که حسب قانون، ضابط تلقی نمی‌شوند، ممنوع، و غیرمجاز، و موجب محکومیت انتظامی دانسته است؛ لذا برای مرجع قضایی منعی نیست که ضابطیت نظامی را در مواردی حسب صلاحدید و با توجه به مقتضیات پرونده به ضابطان عام ارجاع دهد؛ مانند مواردی که ضابط نظامی مربوط، تخصص لازم و کافی برای تحقیقات مورد نظر مرجع قضایی را به‌عنوان نمونه در زمینه تشخیص هویت نداشته باشد.

## ۸. مصداقهای قانونی ضابطان نظامی

بعد از آشنایی با تعریف و عوامل و شاخصهای ضابطان نظامی، باید مصداقهای این ضابطان را در قوانین و مقررات شناخت. پرسش این است که کدام دسته از ضابطان، ضابط نظامی نامیده می‌شوند و قانون چه شخص یا اشخاصی را ضابط نظامی می‌شناسد و تکالیف و اختیاراتی برای آنها منظور می‌کند. طبعاً هر فردی را که عنوان و سمت در نیروهای مسلح داشته باشد نمی‌توان ضابط نظامی به شمار آورد.

طبق ماده ۶۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸ مأموران زیر پس از کسب مهارتهای لازم و گرفتن کارت مربوط، ضابط نظامی هستند:

الف - مأموران دژبان نیروهای مسلح

ب - مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریتها و وظایف قانونی

پ - مأموران بازرسی و قضایی نیروهای مسلح

ت - فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی

ث - افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت نبود دیگر ضابطان

نظامی

ج - مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف خود ضابط نظامی به شمار می‌آیند. در حال حاضر تنها مصداق این بند، ماده ۶۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸ است (صنعتی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۹). طبق این ماده فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرم در حوزه مسئولیت خود، مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش کنند.

منظور از فرماندهان، افسران و درجه داران ناجا آن دسته از کارکنان شاغل در قسمت های مرتبط با فعالیتهای مربوط به دادگستری (مانند مأموران کلانتریها و پاسگاه‌ها) هستند که با دیدن آموزشهای لازم، کارت ضابطیت دارند.

مأموران بازرسی یا قضایی آن دسته از کارکنان ناجا هستند که وظیفه تشکیل پرونده قضایی، دستگیری، بازجویی و اجرای دستور مقامات قضایی برای نیروهای مجرم (اعم از جرم عمومی یا جرم نظامی) و رسیدگی به گزارشها و کشف و شناسایی جرائم غیرامنیتی کارکنان ناجا را بر عهده دارند. مأموران بازرسی و فرماندهی و قضایی و انضباطی، ضابطانی هستند که در واقع عمده وظایف ضابطان نظامی را انجام می‌دهند. اغلب پرونده های ارسالی یگانهای نیروهای مسلح به دادرهای نظامی توسط مأموران بازرسی و قضایی و انضباطی تشکیل می‌شود. هم‌چنین اجرای عمده

دستورهای مقامات قضایی به ضابطان نظامی توسط همین مأموران انجام می شود. در ناجا و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معاونت حقوقی و امور مجلس تشکیل شده است و امور حقوقی یگانها از قبیل شرکت در محاکم و رسیدگی به شکایات مردمی توسط آن معاونت صورت می گیرد. البته مأموران شاغل در معاونت حقوقی، ضابط نیستند (صنعتی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۸).

مأموران حفاظت اطلاعات: آن دسته از کارکنان سازمان حفاظت اطلاعات در هر یک از نیروهای مسلح هستند که با دارا بودن کارت ظابطیت، وظیفه کشف جرم، تشکیل پرونده، دستگیری، بازجویی و اجرای دستور قضایی در حوزه جرائم امنیتی و دیگر موارد مقرر قانونی کارکنان را بر عهده دارند. فصل دوم قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ضمن ۱۲ ماده، جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی نظامیان را برشمرده است؛ مصادقهایی همچون براندازی، محاربه و جاسوسی در این شمار است.

لفظ مأموران در این بند، مطلق است و شامل نیروهای نظامی و کارمند می شود (صنعتی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۸).

طبق بند ۲۵ از ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، تلاش مداوم و مستمر در جهت حفظ و صیانت از سازمان (ناجا) در زمینه‌های امنیتی در شمار وظایف و مأموریت‌های نیروی انتظامی قرار گرفته است. به موجب ماده ۵ همین قانون در اجرای بند ۲۵ ماده ۴ این قانون، سازمانی با سلسله مراتب مستقل و متمرکز به نام "سازمان حفاظت اطلاعات" در نیروی انتظامی تشکیل شده است. برابر تبصره ۱ ماده اخیر، وظایف و مأموریت‌های سازمان حفاظت اطلاعات همچون سازمان حفاظت اطلاعات ارتش و بر اساس قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران است.<sup>۱</sup> مأموریت این سازمان برابر ماده ۱۶ قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۰۷/۰۷ مجلس شورای اسلامی عبارت است از پیشگیری، کشف، شناسایی و خنثی کردن فعالیت‌های براندازی، جاسوسی، خرابکاری، موارد ایجاد نارضایتی، نفوذ جریانات سیاسی و ایجاد اختلال در اجرای مأموریت به منظور حفظ و صیانت ناجا و سازمان‌های وابسته به آنها از طریق حفاظت نیرو، اطلاعات، اسناد، مدارک، اماکن، تأسیسات، وسایل و تجهیزات و امنیت ارتباطات با رعایت اصل ۱۵۶ قانون اساسی.

دژبان بخشی از هر نیروی نظامی است که وظیفه انتظامات آن نیروی نظامی را برعهده دارد. وظایفی مانند حراست، کنترل رفت و آمد و حفظ نظم اماکن نظامی و جبهه، برخورد با نظامیان متخلف و نظامیان فراری و نگهداری از اسیران دشمن و اجرای احکام مراجع قضایی در یگانهای نظامی برعهده دژبان است. در ایران هر کدام از نیروهای سه گانه ارتش جمهوری اسلامی ایران،

۱. رک. تبصره ۱ ماده ۵ قانون ناجا و ماده ۱۶ قانون ارتش

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران دژبان خاص خود را دارند (صنعتی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۶).

تبصره ۱ ماده ۶۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸ رؤسا، معاونان و مأموران زندانها و بازداشتگاه‌های نظامی را در کارهای مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات را نسبت به جرائم کارکنان هم‌مین وزارت ضابط نظامی به شمار آورده که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی است.

نکته دیگر و حائز اهمیت اینکه طبق تبصره ۲ ماده ۶۰۳ الحاقی ۱۳۹۳/۰۷/۰۸، کارکنان وظیفه، ضابط نظامی نیستند؛ اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسئولیت اقدامات در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست. بنابراین قانونگذار مسئولیت مشترک و مضاعف را نسبت به کارکنان وظیفه منظور کرده است. با توجه به این ماده قانونی، ضابطان نظامی نیز به دو دسته ضابطان نظامی عام و ضابطان نظامی خاص تقسیم می‌شوند.

مأموران دژبان نیروهای مسلح، مأموران حفاظت اطلاعات نیروهای مسلح، مأموران بازرسی و قضایی نیروهای مسلح و فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی، ضابطان نظامی عام هستند. افسران و درجه‌داران نیروهای مسلح در جرائم مشهود در صورت نبود دیگر ضابطان نظامی و مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف ضابط نظامی به شمار می‌روند و رؤسا، معاونان و مأموران زندانها و بازداشتگاه‌های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی (جرائم ارتكابی آنها درون زندان) و مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات (که نظامی نیستند) نسبت به جرائم کارکنان این وزارت، که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضایی است، ضابط نظامی خاص هستند که در مورد جرائم خاص یا در اوضاع و احوال خاص، ضابط نظامی به شمار می‌روند (خالقی، ۱۳۹۷، ص ۵۸۲ و ۵۸۳).

درباره مصداقهای این مواد از دید آسیب‌شناسی حقوقی، ایراداتی به نظر می‌رسد:

نخست اینکه لازم بود ارتباط ضابطان گوناگون مقرر در ماده ۶۰۳ درباره جرائم گوناگون مشخص می‌شد و به علاوه در مواردی که حوزه صلاحیتها همپوشانی دارد؛ ضابطی معلوم می‌شد که طبق قانون مجاز به مداخله یا اولی و مرجح در مداخله است.

بند ج ماده ۶۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری از حیث فنون قانونگذاری و شفافیت و صراحت احکام قانونی جداً محل انتقاد است. قانونگذار در مقام تعریف ضابطان نظامی باید آن را دقیق و مشخص کند و حتی‌المقدور نباید مجال را برای تفاسیر گوناگون و متعارض باز بگذارد؛ اما

ملاحظه می‌شود که قانونگذار به‌جای ترسیم و برشمردن صریح دیگر مصداقهای ضابطان نظامی که در دیگر مقررات پراکنده است با عبارتی کلی تشخیص آنها را به مجری قانون وانهاده است. ابهام دیگر درباره رابطه بند "ت" با سه بند نخست است که نوعی همپوشانی را نشان می‌دهد. کمتر نسبت به بند نخست از یک جهت اعم است و از سوی دیگر، اخص. بند ت (فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی) از نظر ذکر یکی از مصداقهای نیروهای مسلح یعنی ناجا اخص از سه مورد نخست است؛ یعنی فقط فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی و نه دیگر نیروهای مسلح ضابط نظامی هستند. به این دلیل که به برخی از کارکنان ناجا اشاره دارد که اصولاً در بندهای قبلی پوشش داده شده‌اند زائد به نظر می‌رسد. در واقع مأموران دژبان ناجا، مأموران حفاظت اطلاعات ناجا و مأموران بازرسی و قضایی ناجا ذیل عنوان فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده ناجا می‌گنجد و تنها از این دید قابل توجیه است که قانونگذار به "ذکر عام بعد از خاص" اقدام، و برای پرهیز از مغفول ماندن برخی ضابطان نظامی در ناجا چنین عنوان عامی را در بند ت مقرر کرده است و در مقابل برای تصریح و تأکید بر ضابط نظامی بودن برخی عناوین خاص شغلی و رده‌های سازمانی در نیروهای مسلح، به ذکر مصداقهای مقرر در سه بند نخست اقدام کرده است.

## ۹. نتیجه‌گیری

در ادبیات نویسندگان حقوقی، ضابطان نظامی مأمورانی هستند که در حدود قوانین و مقررات مختص - جرائمی که در صلاحیت دادگاه‌های نظامی است - تحقیق می‌کنند و برای حفظ آثار و دلایل این نوع جرائم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، طبق مقررات قانون، اقدام لازم و مقتضی را به عمل می‌آورند. در واقع کشف و تحقیق جرائمی که در صلاحیت دادرها و دادگاه‌های نظامی است به‌وسیله ضابطان نظامی صورت می‌گیرد؛ لذا شناخت ضابط نظامی با شناخت محاکم نظامی و صلاحیت آنها درهم تنیده است. شاخصهای قانونی برای شناسایی ضابطان نظامی بدین قرار است:

۱- نظامی بودن

۲- مورد اعتماد و وثوق بودن

۳- کسب مهارت و آموزشهای لازم و گرفتن کارت ویژه

۴- مأمور بودن از سوی مرجع قضایی صلاحیتدار

۵- تحت نظارت و تعلیمات مقامات قضایی صلاحیتدار بودن

به موجب ماده ۶۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری، ضابطان نظامی مأمورانی هستند که تحت

نظارت و تعلیمات دادستان نظامی و دیگر مقامات قضایی مربوط در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری دلائل وقوع جرم، شناسایی، یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند.

از تعاریف قانونی و حقوقی چنین نتیجه می‌شود که اگرچه هم ضابطان دادگستری و هم ضابطان نظامی هر دو ضابط رسمی و قانونی قوه قضاییه هستند و ذیل مقامات قضایی صلاحیتدار و به موجب قانون انجام وظیفه می‌کنند و بسیاری از وظایف و اختیاراتشان در حوزه کشف و تحقیق جرائم و اجرای دستور و احکام قضایی مشابه است ضابطان نظامی با توجه به حوزه صلاحیت و فعالیت خود ضابط خاص قوه قضاییه هستند که به جرائم نظامیان و صلاحیت محاکم نظامی مربوط است و در امور مشخصی صلاحیت دارند. به این دلیل اطلاق ضابط خاص بدانها صحیح‌تر است. هرچند برخی از ضابطان نظامی مانند فرماندهان و افسران و درجه‌داران آموزش‌دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، همزمان ضابط عام قوه قضاییه نیز هستند. البته شأن اخیر نیروی انتظامی یعنی ضابطیت عام قوه قضاییه، صلاحیت و شأن مستقلی است و به ضابطیت نظامی ناجا ارتباطی ندارد.

ضابطان نظامی عام، ضابط همه جرائم نظامیان هستند با توجه به صلاحیت محاکم نظامی مقرر در ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری. ضابط برای همه مراحل رسیدگی به جرائم در صلاحیت محاکم نظامی هستند از کشف جرم تا اجرای مجازات. ضابطان نظامی خاص، نوعی ضابط خاص در محدوده صلاحیت محاکم نظامی هستند؛ یعنی ضابطانی که در موارد خاص و در اوضاع و احوال خاص نسبت به برخی از جرائم نظامیان، ضابط به شمار می‌آیند.

#### ۱۰. پیشنهادهای کاربردی

بند ج ماده ۶۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری جداً محل انتقاد است. قانونگذار در مقام تعریف ضابطان نظامی باید آن را دقیق و مشخص می‌کرد و حتی‌الامکان نباید مجال برداشتهای گوناگون و متعارض می‌داد؛ اما ملاحظه می‌شود قانونگذار به جای ترسیم و برشمردن صریح دیگر مصداقهای ضابطان نظامی، که در دیگر مقررات پراکنده است با عبارتی کلی تشخیص آنها را به مجری و مخاطب قانون وانهاده است. ظاهراً در حال حاضر تنها مصداق این بند، ماده ۶۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری (فرماندهان و مسئولان نظامی و انتظامی) است که به نوبه خود مجمل، و مصداقهای آن، تفسیربردار است. شایسته است مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص و مقررات متعدد و در حدود وظایف خود ضابط نظامی هستند به صورت دقیق و روشن و مصداقی توسط قانونگذار برشمردن شوند تا از ابهام و تردید درباره مصداقها و صلاحیت مقامات و مأموران

نظامی و غیر آنها کاسته، و به علاوه از تداخل و همپوشانی صلاحیتها، که خود موجب و موجد اختلاف و اختلال و بی‌نظمی در نظام حقوقی است، کاسته شود.

به نظر می‌رسد اگر متن و ترتیب بندهای یاد شده به این صورت درآید ابهامات برطرف، و مراد قانونگذار بخوبی مشخص می‌شود:

« الف - فرماندهان، افسران و درجه‌داران آموزش دیده نیروی انتظامی

ب- مأموران دژبان دیگر نیروهای مسلح

پ - مأموران حفاظت اطلاعات دیگر نیروهای مسلح در چهارچوب مأموریتها و وظایف قانونی

ت - مأموران بازرسی و قضایی دیگر نیروهای مسلح

### فهرست منابع

- ابوالمحمد، عبدالحمید (۱۳۷۹). حقوق اداری ایران. استخدام‌های کشوری، ارتش و نیروی انتظامی با افزایش‌ها و بازنگری کامل همه قوانین و مقررات استخدامی و اداری. تهران: توس.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲). حقوق جزای عمومی (بنیاد حقوقی میزان). تهران: نشر میزان.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۰). آئین دادرسی کیفری. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۴). آئین دادرسی کیفری (اندیشه‌ها) (ج ۴)، تهران: مجد.
- آشنا، حمید؛ داداشی چکان، محمد مهدی؛ پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۶). ضابطین مردمی، ابداعی نو در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تهران: خرسندی با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- باهری، محمد؛ داور، علی اکبر (۱۳۸۰). نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران: مجد.
- پاهکیده، فریدون (۱۳۹۵). اختیارات ضابطین دادگستری در قلمرو دادرسی کیفری با نظر به قانون جدید. دانش انتظامی خوزستان، (۱۷)، ۱۴۵-۱۷۸.
- پورعلی، نازیلا (۱۳۹۶). نقش و جایگاه ضابطان در قانون سابق و فعلی آیین دادرسی کیفری، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بوته نقد: (ضابطان دادگستری)، تهران: خرسندی با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.



- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: کتابخانه گنج دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۶). آیین دادرسی کیفری مطابق با قانون جدید مجازات اسلامی تا اول شهریور ۱۳۹۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۷). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش.
- خزایی، سمیرا (۱۳۹۶). بررسی نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری در رابطه با ضابطین و اقدامات آنها. در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در بوته نقد: (ضابطان دادگستری). تهران: خرسندی با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری (ویرایش ویراست ۲، ج ۲). تهران: دادگستر.
- رئیسی نافچی، روح الله (۱۳۹۶). تقریرات آیین دادرسی کیفری، مخصوص کارآموزان قضاوت. تهران.
- شگری، رضا؛ سیروس، قادر (۱۳۸۱). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی (دکترین و رویه کیفری ایران: مشتمل بر قانون مجازات عمومی. تهران: مهاجر.
- صنعتی، سیدمهدی؛ نوریان، ایوب؛ عطائی جنتی، مجید (۱۳۹۷). ضابطان قوه قضاییه (دادگستری - نظامی) در فرایند دادرسی کیفری (بر مبنای قانون جدید آیین دادرسی کیفری). قم: حقوق پویا.
- طباطبائی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۵). حقوق اداری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- طهماسبی، جواد (۱۳۹۴). آیین دادرسی کیفری. تهران: نشر میزان.
- عبداللهی، سامان؛ اصولی، پریسا (۱۳۹۶). بررسی تحلیلی مفهوم ضابطین دادگستری و جایگاه آن با تکیه بر قانون آیین دادرسی کیفری جدید، تهران: خرسندی با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- قوه قضاییه. معاونت آموزش و تحقیقات (۱۳۸۱). ضابطین دادگستری تکالیف و مسئولیتها. تهران: قوه قضاییه، معاونت آموزش و تحقیقات.
- متین راسخ، مجید؛ آساره، احسان (۱۳۹۶). شرایط احراز عنوان ضابطیت مطابق قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲. مطالعات حقوقی - انتظامی، (۵)، ۷-۲۴.



- محمدنسل، زهرا (۱۳۹۶). تحولات مرتبط با ضابطین دادگستری در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تهران: خرسندی با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- محمدنسل، محمدرضا (۱۳۹۶). تحولات و آخرین وضعیت ساختاری و شرایط احراز مشاغل پلیس قضایی در قوانین دادرسی کیفری ایران، تهران: خرسندی با همکاری دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- وروایی، اکبر؛ رضایی فرد، ساسان (۱۳۹۴). بررسی سیر تحول تاریخی ضابطیت دادگستری در نظام حقوق کیفری ایران. فصلنامه مطالعات تاریخ انتظامی، (۴)، ۲۵-۵۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني